

گفت‌وگو با فواد حجازی آهنگساز موسیقی پاپ

باید موسیقی جدی را بی‌خیال شد

◀ **سعید اداک**

– **بخش قابل توجهی از موسیقی مورد استفاده در جامعه ما به آثار تولید شده در حوزه پاپ اختصاص دارد که بخشی از آن در داخل و بخش دیگر در خارج از کشور تولید می‌شود.** در حوزه موسیقی پاپ پیش از هر پرسش دیگری این نیاز احساس می‌شود که ما ابتدا تعریفی از اصطلاح «موسیقی پاپ ایرانی» داشته باشیم؛ موسیقی پاپ ایرانی آیا تعریف روشنی دارد؟

در موسیقی پاپ ایرانی از سازهای موسیقی غربی استفاده می‌شود اما در آن از موسیقی دستگاهی و سنتی ایرانی وام گرفته شده است. برای مثال از دستگاه‌های همایون، اصفهان یا چهارگاه استفاده می‌شود که اجرای آن به وسیله سازهای غربی است. ولی تمام گونه‌های این نوع موسیقی با کمی اختلاف در گام‌های کروماتیک اجرا می‌شود آن هم به دلیل تفاوت پرده‌بندی سازهای ایرانی و غربی. اما از آنجا که شما از این سازها برای شناور شدن در فضای موسیقی ایرانی استفاده می‌کنید و چنین تلفیقی را به وجود می‌آورید به آن پاپ ایرانی گفته می‌شود.

– **جدا از این تعریفی که شما ارائه می‌دهید برخی آثار دیگر نیز شنیده می‌شود که تنها کلام در آنها فارسی است و در ساختار موسیقایی آنها از فواصل و ملودی‌های عربی، ترکی، هندی و کشورهای دیگر استفاده شده است یعنی زمانی که شما قطعه را می‌شنوید تا زمانی که کلامی اجرا نشده گمان می‌کنید در حال گوش دادن به یک قطعه موسیقی ترکی یا عربی هستید.** چنین آثاری قطعاً در تعریفی که شما از پاپ ایرانی ارائه دادید قرار نمی‌گیرند.

این قطعات معمولاً در تقسیم‌بندی‌ها در

حوزه موسیقی پاپ ترکی، پاپ عربی یا پاپ هندی قرار می‌گیرد که فقط کلام آنها فارسی است. چنین کارهایی معمولاً «کاور» هستند یعنی یک قطعه موسیقی را که وجود داشته کپی کرده‌اند و شعر آن را عوض می‌کنند بعد با یک تنظیم و اجرای تازه دوباره آن را اجرا می‌کنند.

– **چنین تجربه‌ای می‌تواند درست باشد؟** نمونه این اتفاق در کشورهای مختلف، بسیار اتفاق می‌افتد و مشکلی نیز به وجود نمی‌آورد و شما نمی‌توانید بگویید این کار، کار درستی است یا حرکت غلطی. به نظر من تنها مرجعی که در نهایت تعیین می‌کند این کار صحیحی است یا خیر مردم هستند. برای مثال موسیقی کلاسیک در اروپا سال‌هاست بی‌رمق شده و مردم به شکل سابق از آن استقبال نمی‌کنند. این در حالی است که آثاری که موتسارت و بتهوون خلق کرده‌اند حرکت اشتباهی نبوده منتها دیگر از سوی عامه مردم مورد اقبال قرار نمی‌گیرد و به همت دولت‌های غربی است که جریان این نوع از موسیقی ادامه حیات می‌دهد وگرنه کنسرت این آثار بلیت‌فروشی به آن شکل ندارد. در واقع نگاه به موسیقی به نسبت گذشته تغییر کرده و مردم نگاه مصرفی نسبت به آن پیدا کرده‌اند.

– **هر زبانی دارای موسیقی درونی خاصی است که به آن فنوتیک می‌گویند.** در هر فرهنگی نیز موسیقی بر پایه فنوتیک و البته بسیاری مولفه‌های دیگر شکل گرفته است. در نتیجه موسیقی هر فرهنگی متناسب با زبان آن خواهد بود نه زبان فرهنگ‌های دیگر. **سوار کردن کلام فارسی روی موسیقی هندی یا عربی آیا می‌تواند پایه علمی داشته باشد؟**

من لیسانس موسیقی هستم و تلاش هم کرده‌ام از نظر علمی نیز پاسخ برخی سوال‌ها مانند این‌ا را پیدا کنم منتها در حال حاضر دیگر مانند گذشته لازم نیست شما با مسائل علمی موسیقی آشنایی داشته باشید. دلایل هم رشد تکنولوژی است. این‌امکانات به صورت نرم‌افزایی درآمده که به هر کسی با هر سطح سوادی امکان آهنگسازی می‌دهد. آن دغدغه‌های علمی متعلق به زمانی بود که کامپیوتر به این اندازه کارها را ساده نکرده بود و آهنگساز باید نت‌ها را روی کاغذ می‌نوشت و به نوازنده‌ها می‌داد.

صدای سازهای مختلف نیز در این نرم‌افزارها وجود دارد و فردی که به جای آهنگساز

۱۱۰۷

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۷ ■ دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۹

موسیقی

یک‌دهه از عمرشان همچنان برای مخاطبان این گونه از موسیقی شنیدنی و جذاب است. فواد حجازی با نگاهی انتقادآمیز به عملکرد سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندر کار حوزه موسیقی می‌گوید: «من در سال‌های اخیر بین ۲۷ تا ۳۰ اثر پاپ خلق کرده‌ام که وزارت ارشاد بدون هیچ توضیحی به آنها مجوز نمی‌دهد. ممانعت از انتشار آثار پاپ ایرانی از سوی دست‌اندرکاران و مسوولان داخلی باعث شده به راحتی عرصه شنیداری مردم برای جولان تولیدکنندگان آثار موسیقی پاپ به اصطلاح آن طرف آبی خالی و مهیا شود.» پیرامون «موسیقی پاپ ایرانی» و اوضاع و احوال این گونه از موسیقی در داخل کشور گفت‌وگویی با فواد حجازی در بعد از ظهر یک روز پاییزی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.



بله، این اتفاق افتاد. زمانی که ما وارد تلویزیون شدیم فریدون شهبازیان در تلویزیون بود و خیلی از ما حمایت کرد. همان زمان آلبوم «دلشوره» با صدای اعتمادی به آهنگسازی بابک بیات و تنظیم من منتشر شد. بعد از آن «ناز انگشتای بارون» منتشر شد. بعد با محمد اصفهانی آلبوم «حسرت» را کار کردم؛ بعد «قدسیان آسمان»، «عبدانه»، «زان یار دلناوز»، «من مست و تو دیوانه» و «خالی سفره مستات» را که بسیار هم مورد اقبال واقع شدند را منتشر کردم.

ما از سال ۷۳ تا ۷۸ بازار موسیقی تهران را به دست گرفتیم یعنی کمتر کسی موسیقی پاپ تولید شده در خارج گوش می‌کرد. و ترمزهای بیشتی ایجاد شد. فریدون شهبازیان نیز که از تلویزیون رفت و دیگر نگاه کارشناسی هم از تلویزیون رفت و دیگر شرایط به گونه‌ای نبود که کسی کار بد و خوب را تشخیص بدهد. همین حرکت باعث شد دوباره بازار موسیقی پاپ تولید شده در خارج با اجرای کنسرت‌های مختلف در دوبی و پخش آلبوم‌های مختلف به صورت غیرمجاز در داخل اثر حرکتی را که ما انجام داده بودیم از بین ببر.

آن زمان دست‌اندرکاران در صدور مجوزها سرعت کار را بالا بردند و ما هم مدام کار می‌کردیم؛ البته مدت زمان انتشار یک آلبوم همچنان حدود یک سال به طول می‌انجامید. اما بعد از مدتی به یکباره تغییر رویکرد دادند و متأسفانه دوباره جریان به همان روال سابق بازگشت و ترمزهای بیشتری ایجاد شد.

فریدون شهبازیان نیز که از تلویزیون رفت و دیگر نگاه کارشناسی هم از تلویزیون رفت و دیگر شرایط به گونه‌ای نبود که کسی کار بد و خوب را تشخیص بدهد. همین حرکت باعث شد دوباره بازار موسیقی پاپ تولید شده در خارج با اجرای کنسرت‌های مختلف در دوبی و پخش آلبوم‌های مختلف به صورت غیرمجاز در داخل اثر حرکتی را که ما انجام داده بودیم از بین ببر.

اما-**بالاخره این روند بهبود پیدا کرد و در یک مقطع زمانی تولیدات موسیقوی پاپ داخل کشور توانست به شکل قابل توجهی جای خودش را در بین مردم پیدا کند.**

صادر کنند تا از صدا و سیما برای مخاطبان پخش شود. همچنین اگر تلویزیون به اثری مختلفی وجود دارد و بخش عمده این راه‌ها به شبکه‌های ماهورای و آلبوم‌های به اصطلاح آن طرف آبی ختم می‌شود.

این تناقضات پایه‌های موسیقی را از بین می‌برد. ما الان سال‌هاست از طریق اجرای زنده ادامه حیات می‌دهیم و هیچ تولیدی نداشته‌ایم. بخشی از این اجراها هم برای ارگان‌ها بوده.

– **از اوایل دهه ۷۰ جریانی از موسیقی پاپ در داخل کشور به وجود آمد که همواره**

در سال‌های پس از انقلاب جای خالی آن احساس می‌شد. همزمان در خارج از کشور نیز موزای با این جریان، جریان دیگری از موسیقی پاپ ایرانی که به موسیقی آن طرف آبی مشهور بود، وجود داشت و ادامه حیات می‌داد. به نظر شما در تأمین ذاتقه شنیداری مردم کدام یک از این دو جریان موفق‌تر عمل کردند؟

به طور قطع جریان موسیقی پاپ خارج از کشور موفق‌تر عمل کرد. اول اینکه آنها آزادی عمل بیشتری داشتند و دوم اینکه آنها می‌توانستند ملودی‌هایی را که در سال ۷۰ می‌ساختند در همان سال منتشر کنند و انتشار آثارشان تا پنج سال دیگر به تعویق نمی‌افتاد. ما برای کاری که مثلاً در سال ۷۰ ساخته بودیم سعی می‌کردیم مجوز بگیریم و بالاخره سال ۷۵ این اتفاق می‌افتاد. در طول این پنج سال جریان موسیقی پاپ خارج از ایران آثاری را تولید و منتشر می‌کرد. البته در خارج از کشور کمتر به شعر توجه می‌کردند به همین دلیل از نظر شعر کارهای زیاد موفقی نبودند اما از نظر ملودی‌پردازی کارهای قابل تاملی در بین‌شان دیده می‌شد.

در نقطه مقابل جریان موسیقی پاپی که در خارج از کشور وجود داشت ما در

داوود قیاضی

اقلیمای آواز ایران در مکتب تهران

همان طور که می‌دانیم آواز در طبیعت از قدمت بیشتری نسبت به موسیقی برخوردار است، مانند آواز پرندگان که الگویی شد برای آواز خواندن و ساختن آلات موسیقی برای نوع بشر تا بتواند شمای از احساسات درونی خود را بیان و منتقل کند. سپس طی تکاملی تدریجی و اختراع زبان و به ویژه شعر، این هنر به مضامین عالیه برآمده از فطرت پاک انسان مزین شد و از ترکیب شعر و موسیقی، هنر باب آواز شکل گرفت.

آواز سنتی ایرانی نیز دارای تاریخچه پرفراز و نشیبی است. در گذشته به دلیل عدم وجود امکانات وسیع ارتباطی بین اقشار مختلف جامعه، هنر آواز به صورت موضعی و مکتبی در شهرها ترویج می‌شد که تحت عنوان مکتابی با نام‌های اصفهان، تبریز، تهران، شیراز، فراهان و… شناخته شد. ولی امروزه به دلیل توسعه شهرها و رشد امکانات ارتباطی و اطلاع‌رسانی و تبادل اطلاعات بین سطوح مختلف جامعه، مرزهای فیزیکی بین مکتاب آوازی کمرنگ شده، به گونه‌ای که نمی‌توان سبک اساتیدی مانند بنان، حسین قوامی، ادیب خوانساری و… را با قاطعیت در قالب دسته‌بندی‌های مکتاب قدیم برشمرد بلکه می‌توان آن را سبکی جدید و برگرفته از مکتاب قدیم نامید که این موضوع، خود دلیل محکمی بر پویا بودن هنر آواز با توجه به کلام‌محور بودن آن و نیز تاثیرپذیری آن از شرایط جامعه است. اما هدف از انشای این یادداشت، اشاره‌ای اجمالی بر ویژگی‌های مکتاب آوازی به ویژه «مکتب آوازی تهران» است که در پی می‌آید.

همان گونه که مکتب اصفهان با کوشش اساتیدی مانند سیداحمدخان، طاهرزاده، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و… معرفی شده یا مکتب تبریز که با زحمات اساتیدی نظیر اقبال آذر، رضایی‌خان طلی و… شکل گرفته، اگر بگوییم که مکتب تهران نیز حاصل تلاش‌های استاد فقید اسماعیل مهرتاش بوده است، اغراق نکرده‌ایم؛ استاد بی‌نظیری که بی‌شک در زمینه تدوین و نوآوری در این مکتب و نیز تربیت شاگردانی چون استاد شجریان، عبدالوهاب شهیدی و… در کنار سایر آموزش‌های هنری و تئاتری خود بی‌مانند بوده است.

درباره مکتب آوازی تهران عقاید مختلفی وجود داشت، از جمله آنکه به اشتباه می‌پنداشتند که این مکتب مناسب صداهای بم بوده یا اینکه شش‌دانگ صدا را جزء این مکتب به حساب نمی‌آوردند. اما باید توجه داشت که تفاوت اساسی مکتب تهران با سایر مکتاب آوازی در انتخاب شعر و کلام و تلفیق استادانه آن با ملودی‌های ردیف آوازی بوده که محصول آن آوازی احساسی و دل‌نشین است. همچنین از دیگر ویژگی‌های این مکتب، می‌توان به حذف هجاهای اضافی از آواز مانند «مان»، «جان»، «دل ای دل» و… توسط استاد مهرتاش اشاره کرد.

خاطره‌ای از استاد مهرتاش در این زمینه از شاگردان ردیف اول وی نقل شده که می‌گوید در آن زمان یکی از خوانندگان، کلمه «دوست» را با تحریر و تکرار حرف «واو» ادا می‌کرد و استاد می‌گفتند مگر یک دوست چند تا «واو» دارد؟ همچنین مرکب‌خوانسی که با ظرافتی خاص در میان ردیف‌های آوازی گنجانده‌شده، از دیگر نوآوری‌ها در این مکتب است. مانند گوشه‌ای به نام نوا، در آواز بیات ترک یا اشاره‌ای به بیات ترک در گوشه حصار در دستگاه سه‌گاه. در مکتب تهران شعرها، حالت اجرای گوشه‌ها، تحریرها، جمله‌بندی‌ها، سکوت‌ها و آکسان‌ها از سایر مکتاب تقلید نشده که این خود وجه تمایز مهمی به شمار می‌آید. باری مقصود از تمجید کردن از شیوه استاد مهرتاش و مکتب تهران، ذکر برتری‌های این مکتب بر سایر مکتاب نیست و هدف بیان تفاوت‌ها و آشنایی بیشتر علاقه‌مندان هنر آواز با این مکتب است.

پرواضح است که سایر مکتاب نیز نقش بسزایی در شکل‌گیری هنر آواز سنتی ایران داشته‌اند و جا دارد که از اساتید این مکتاب و نیز از استاد ناصح‌پور که زحمات زیادی را برای تشریح ردیف آوازی استاد دوامی متحمل شده‌اند، یاد شود. از سویی دیگر شاگردان استاد مهرتاش در قرن اخیر، بیشترین اجراها را به ثبت رسانده‌اند و هم‌اکنون معدودی از این شاگردان اجراهایی را در صحنه‌ها دارند که هنوز اصالت هنری این استاد فرانزه را با لحنی خوش بیان می‌کنند. ولی به دلیل کاهش زمینه‌های فعالیت در دهه‌های اخیر و عدم توجه لازم به این سبک، متأسفانه این اندوخته‌های هنری برگرفته از مکتب تهران به هنرجویان نسل حاضر منتقل نشده است که بی‌شک ترویج این مکتب آوازی زیبا با استفاده از تجربیات معدود شاگردان به جامانده از آن استاد فرانزه امکان‌پذیر خواهد بود. حال حفظ این میراث فرهنگی اصیل به جامانده از پیشینیان و نیز رشد و رونق این هنر سنتی و عارفانه و رواج آن در نسل حاضر، محتاج کمال حمایت مسوولان محترم امر از اساتید و مدرسین این فن است تا هویت و اصالت فرهنگی میهن‌مان را از خطر تهاجم شبه‌موسیقی و شبه‌آوازهایی که اذهان جوانان ما را به ابتذال می‌کشاند، برهانیم.

◀ **عضو پیوسته کانون مدرسین و خوانندگان آواز**

کهن

راهبایی ۲۶ اثر به مرحله داوری جایزه ایرج بسطامی

شرق: با پایان یافتن مرحله انتخاب آثار، ۲۶ اثر آوازی به مرحله نهایی داوری نخستین دوره جایزه سال ایرج بسطامی راه یافتند. دبیرخانه این جایزه اعلام کرد این آثار از میان ۵۶ اثری انتخاب شدند که بعد از طی مرحله نخست انتخاب آثار، از میان ۲۴۱ اثری که حائز شرایط فراخوان بودند، به مرحله دوم راه یافته بودند. ۲۶ اثر انتخاب‌شده در دور نهایی داوری آثار، توسط هیات داوران جایزه بررسی و میان آنها ۱۲ اثر برگزیده برای آزمون حضوری به تهران دعوت می‌شوند. دبیرخانه جایزه با اعلام اینکه سه نفر از شرکت‌کنندگانی که موفق شوند حد نصاب امتیاز آزمون حضوری را کسب کنند به عنوان برندگان اصلی جایزه سال ایرج بسطامی معرفی شده و از سه نفر نیز تقدیر خواهد شد، افزود: «تعداد اعلام‌شده برگزیدگان به منزله سقف تعداد افراد انتخابی است و در صورتی که از میان شرکت‌کنندگان تعداد کمتری موفق شوند حد نصاب لازم را از آن خود کنند تنها همان تعداد به عنوان برگزیده و برنده جایزه سال معرفی می‌شوند.» دبیرخانه نخستین جایزه بسطامی ارج بسطامی همچنین اعلام کرد: «پراکندگی افراد شرکت‌کننده در این جایزه از نظر جسنیتی ۹۵ درصد مرد و پنج درصد زن بوده که از ۷۳ شهر ایران برای شرکت در مسابقه نام‌نویسی کردند.» بر این اساس استان‌های تهران با ۵۷، فارس ۲۰، کرمان ۱۷، مازندران با ۱۶ و اصفهان با ۱۴ شرکت‌کننده در رده‌های اول تا پنجم استان‌هایی قرار گرفته‌اند که شرکت‌کنندگان از آنها آثار خود را به دبیرخانه جایزه ارسال کردند. مراسم اهدای نخستین دوره جایزه سال ایرج بسطامی اولین آذرماه با حضور استاندار، علاقه‌مندان و پژوهشگران موسیقی ایران از سوی بنیاد فرهنگی – هنری ایرج بسطامی همزمان با نکوداشت پرویز مشکاتیان و ایرج بسطامی در تالار وحدت برگزار می‌شود.

■ **کنسرت تهمورس پورناظری و شجاعت حسین‌خان در تهران**

شرق: تهمورس پورناظری به همراه شجاعت حسین‌خان آذرمه در تهران به اجرای برنامه می‌پردازند. تهمورس پورناظری در خصوص اجرای این برنامه گفت: «این کنسرت که «افسانه شو» نام دارد، بخشی از پروژه موسیقی «از تخت جمشید تا تاج محل» است؛ پروژه موسیقایی که ساخت آن از مدت‌ها قبل شروع شده است.» وی حضور شجاعت حسین‌خان استاد بزرگ موسیقی هند در ایران را باز شدن پنجره‌ای به فضای موسیقی امروز ایران خواند و گفت: «به دلیل اینکه در ۳۰ سال گذشته موسیقیدان‌های طراز اول جهانی در ایران حضورشان از تعداد انگشتان یک دست کمتر بوده است، این گونه فرصت‌ها غنیمت شمرده می‌شود.» این دو هنرمند ایرانی و هندی برای نخستین بار در کنار یکدیگر با هم همکاری می‌کنند؛ همکاری‌ای که آهنگساز گروه شمس آن را در جریان موسیقی ایران موثر دانست و افزود: «با وجود چنین برنامه‌هایی موسیقیدانان ما و دوستداران موسیقی می‌توانند در کمترین فاصله با موسیقیدان طراز اول جهان آشنا شوند.» این کنسرت با اجرای بخشی از پروژه «از تخت جمشید تا تاج محل» و نیز کنوازی تار (تهمورس پورناظری) و سیتار (شجاعت حسین‌خان)، دونواری (تار و سیتار، در اساس ساخته‌های تهمورس پورناظری برگزار می‌شود. کنسرت «افسانه شو» به آهنگسازی تهمورس پورناظری آذرمه در تالار وحدت برگزار خواهد شد.